

درآمدی بر پیش‌نویس قانون بین‌الملل جزا

دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی
دکتر منوچهر خزانی

مقدمه

پیشرفتهای به‌دست آمده در قلمرو علمی، صنعتی و فنی در سده حاضر به‌ویژه پس از پایان جنگ دوم جهانی، به تدریج موجب تحول جامعه جهانی، ارزشها و امیدهای انسانها شده است. توسعه صوتی-تصویری رسانه‌های گروهی و نیز رشد شتابنده حمل و نقل به نوبه خود ارتباط میان کشورها و شهروندان آنها را آسان و سریع نموده، به‌طوری‌که امروزه سخن از «دهکده کوچک جهانی» به میان آورده می‌شود. ارزشهای بشری استقرار یافته از یک سو، و ظهور ارزشهای جدید مشترک بین‌المللی که به برکت پیشرفتهای امکان رشد یافته است از سوی دیگر، سبب گردیده تا سرنوشت همه کشورها و اصولاً نوع بشر به هم گره بخورد.

بی‌تردید، یکی از ارزشهای مشترک صلح، آرامش و امنیت و بهره‌های ناشی از آن در جامعه جهانی است. برای کلیه شهروندان جهان، از هر نژاد و مذهب و ملیتی که باشند، برخورداری از یک زندگی توأم با آرامش و امنیت که شرط اولیه بقای آنها و نیز تحقق پیشرفتهای علمی و صنعتی است، ارزشی حیاتی محسوب می‌گردد. لیکن تجارب تلخ تاریخی، از جمله مخاصمات مسلحانه جهانی نیمه اول سده بیستم و به‌ویژه ادامه درگیریهای مسلحانه محلی و منطقه‌ای در چند دهه اخیر که دامنه آن به زمان حاضر نیز کشیده شده، صلح را به رؤیا و هدفی دست نیافتنی برای بشریت تبدیل کرده است.

پاسداری از ارزشهای مشترک بشری قبل از هر چیز مستلزم وضع قواعد و مقررات لازم الاجرای بین‌المللی و سپس کوشش در جهت هموار کردن زمینه رعایت آنها توسط همه ملتها و دولتهاست. نظام حقوقی بین‌المللی باید به ضرورت تهیه و تنظیم این قواعد، ساختارهای مربوط، استراتژیها و وسایلی که قادر به تأمین، حفظ و حمایت از جامعه جهانی باشد و به

موازات تحول نیازهای آن، خود نیز بتواند متحول گردد، توجه نماید. در چنین فضایی، حقوق بین‌الملل جزا به عنوان شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل، به نوبه خود می‌کوشد تا با برخورداری از روشها و ابزارهای شایسته، همسو و هماهنگ با اهداف جهانی یعنی پیشگیری از جرایم بین‌المللی در پاسداری از منابع عام جامعه بین‌المللی و اصلاح بزهکاران گام بردارد.^۱

با پایان یافتن جنگ اول جهانی، حقوقدانان فرصت را برای از سرگیری فکر احیاء و تجدید ابتکارها و طرحهای گذشته در زمینه تدوین مقررات^۲ بین‌المللی کیفری مغتنم شمردند. با تأسیس انجمن بین‌المللی حقوق جزا در ۱۹۲۴ و عضویت علمای مشهور حقوق جزای کشورها در آن، کوششها و مطالعات تخصصی بین‌المللی در زمینه تدوین مقررات کیفری جهانی، نظم و تمرکز خاصی به خود گرفت. بند ۳ ماده ۱ اساسنامه انجمن، «هموار کردن راه توسعه علمی - نظری حقوق بین‌الملل جزا به منظور

1. Bassiouni, Cherif: "Le droit penal international: Son histoire, son objet, son contenu", in Revue internationale de droit penal, 1981, P. 42.

2. Codification.

رسیدن به هدف برقراری یک حقوق جزای جهانی» را از قلمروهای اصلی فعالیت آن برشمرده است. در همین جهت آقای پلا،^۳ صاحب‌نظر رومانیایی حقوق جزا، از طرف انجمن مأمور شد تا پیش‌نویس یک قانون جزای جهانی را تهیه و ارائه کند. این پیش‌نویس در ۱۹۳۵ منتشر گردید.

پس از پایان جنگ دوم جهانی، نیاز شدید کشورها و ملتهای آسیب دیده از دو جنگ جهانی به صلح و امنیت و تضمین تداوم آن در آینده، انجمن بین‌المللی حقوق جزا را بر آن داشت تا مطالعات خود را در زمینه تدوین قانون بین‌الملل جزا و نیز اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری از سرگیرد.^۴ آقای شریف بسیونی، رئیس کنونی انجمن، در مقام نماینده انجمن بین‌المللی حقوق جزا مأموریت یافت تا مجدداً در دو زمینه یاد شده به مطالعه و تحقیق بپردازد و گزارش نهایی آن را تقدیم کند. وی پس از مطالعات زیاد بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ طرح نسبتاً مفصل خود را پیرامون

3. V.V. Pella.

۴. در خصوص مطالعات و فعالیت‌های انجمن در این دو زمینه رک. مجله بین‌الملل حقوق جزا، سالهای ۱۹۶۴ و ۱۹۷۴،

قانون بین‌الملل جزا^۵ تکمیل و به نام انجمن در ژوئیه ۱۹۷۹ به سازمان ملل متحد تسلیم نمود.^۶

همان‌طور که پلاوسکی، استاد سابق دانشگاه لیل فرانسه، می‌نویسد: «جرایم بین‌المللی اصول و ارزشهای والای انسانی، یعنی ارزشهایی را که لازمه بقا و موجودیت صلح میان افراد بشر در جامعه بین‌المللی است، به نابودی می‌کشاند. زندگی در جامعه بین‌المللی جز با همکاری دولتها در زمینه مبارزه با پدیده‌های مجرمانه و مهار آنها در سطح جهانی امکان‌پذیر نیست»^۷.

پاسداری و حمایت از نظم عمومی جامعه بین‌المللی، هدف حقوق بین‌الملل جزا و نیز مضمون اصلی اندیشه‌ها و علت

۵. برای اطلاع از پیش‌نویس قانون بین‌الملل جزا تهیه شده به وسیله آقای بسیونی رک.

Bassiouni, Ch.: "International criminal law, a draft of international Criminal Code, Siythoff and Noardhoff, The Netherlande, 1980.

۶. گفتنی است که آقای بسیونی برای دادگاه بین‌المللی کیفری نیز اساسنامه‌ای تهیه و منتشر کرده است. برای ملاحظه آن رک.:

Bassiouni, Ch.: "Draft statue, international criminal tribunal", in Nouvelles Etudes Penales, No, 9, 1992.

۷. Plawski, Stanislaw: "Rapport Particulier sur les crimes internationaux et le droit Penal interne", in Revue internationale de driot pennl, 1er et 2e trimestres, 1989.

غایی کوششهای حقوقدانان، فیلسوفان،
مصلحان اجتماعی و دولتمردان، به‌ویژه از
یک سده پیش به این سو، بوده است.
انجمن صلح^۸ ایالات متحده امریکا از
۱۸۷۲ به فکر ایجاد نهادها و مراجع
بین‌المللی حقوقی افتاد و با الهام از
طرح داوید ادلی فیلد^۹ در ۱۸۶۶ تحت‌عنوان
«خطوط کلی یک قانون بین‌الملل»،^{۱۰} پیشنهاد
کرد تا از حقوقدانان، دولتمردان و انسان
دوستان به‌منظور تهیه یک قانون بین‌الملل
دعوت شود. برگزاری مسابقه‌ای در ۱۸۷۵
برای تهیه طرح ایجاد یک مرجع و یک قانون
بین‌الملل به ابتکار یک سناتور اسپانیایی
به‌نام آرتور و دومارکوآرتو^{۱۱} در اجرای
اندیشه اتحادیه بین‌المللس در همین
راستا بود.^{۱۲}

هر چند این قبیل ابتکارها برای
تدوین قانون بین‌الملل جزا و تأسیس یک
مرجع بین‌المللی کیفری به بار ننشست،
لیکن به عنوان تجربه‌های تاریخی و

8. Peace Society.

9. David Duddley Field.

10. Outlines of an international code.

11. Arturo de Marcoartu.

12. Cf. Bouzat, P.: "Introduction", Revue international de droit Penal, 1981, PP. 7-8.

پیشگام، اذهان حقوقدانان، دولتمردان و سازمانهای بین‌المللی را به خود جلب نمود.

به موازات مطالعات انجمن و تحقیقات سایر شخصیت‌های علمی^{۱۳} و تا حدی تحت تأثیر فعالیت آنها، سازمانهای بین‌المللی نیز به نوبه خود برای حفظ ارزشهای جامعه بشری و به‌منظور نشان دادن واکنش در قبال جنایتهایی که به‌ویژه در طول جنگ دوم جهانی علیه انسانها و ملت‌های بیگناه ارتکاب یافته بود، در صدد تدوین و استقرار مقررات و نهادهای بین‌المللی برآمدند تا شاید از این رهگذر صلح و امنیت بشری تضمین گردد و از تعرضات جدید مصون بماند.

سازمان ملل متحد که خود پس از پایان جنگ دوم جهانی در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ برای پاسداری از صلح و امنیت در جهان و نیز استقرار همکاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان ملت‌ها تأسیس شد، با توجه به تجربه‌های تلخ این جنگ و با عنایت به مجموع مقررات ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن که توسط

۱۳. گفتنی است که شخصیت‌های حقوقدان سوئدی نیز به نوبه خود طرحی برای «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» تهیه و منتشر کرده‌اند.

چهار قدرت فاتح جنگ دوم جهانی تدوین شده بود و به «اساسنامه دادگاه نورنبرگ» شهرت یافت، کوششهای خود را مستقلاً در جهت تهیه و تدوین قانون بین‌الملل جزا و قانون تشکیل دادگاه بین‌المللی کیفری آغاز کرد. مجمع عمومی سازمان ملل که از همان اوایل دهه ۱۹۵۰ به کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۱۴} مأموریت داد تا مطالعه پیرامون تدوین این دو طرح را آغاز کند. کمیسیون پس از حدود سه سال مطالعه و نظرخواهی، موفق به تهیه طرح «اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری» و نیز طرح «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری»^{۱۵} گردید که هنوز هم

۱۴. در اجرای قطعنامه (۱۱) ۱۷۴ مجمع عمومی، کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ تأسیس شد. مقرر دائمی آن در ژنو است. تعداد اعضای کمیسیون در چهل و پنجمین اجلاس آن که از ۳ مه تا ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۳ تشکیل شد، سی و چهار حقوقدان از کشورهای بحرین، اردن، ایتالیا، آرژانتین، مراکش، انگلستان، برزیل، استرالیا، سریلانکا، ایسلند، مالی، ترکیه، سودان، قبرس، اوگاندا، سیرالئون، اندونزی، الجزایر، جمهوری چک، گابن، فرانسه، هند، ماداگاسکار، جامائیکا، ایالات متحده آمریکا، چین، مکزیک، سنگال، آلمان، شیلی، فدراسیون روسیه، گواتمالا، ژاپن و بلغارستان بود. رئیس کمیسیون حقوق بین‌الملل از ماه مه ۱۹۹۴ آقای ولادین استپانوویچ ورشچتین (Vereshchetin Vladlen Stepanovich) حقوقدان روسی است.

15. Draft Code of crimes against the peace and security of mankind / Projet de code. Des crimes contre la paix et la securite de l'humanite.

بحث و تبادل نظر پیرامون آنها به‌عنوان دو سند رسمی در خود کمیسیون، در مجمع عمومی، در سطح دولتهای عضو سازمان ملل متحد و نیز در مجامع و محافل علمی—دانشگاهی ادامه دارد.

موضوع نوشتار حاضر که به بررسی پیشنویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری اختصاص یافته به دو مبحث تقسیم شده است: در مبحث نخست که جنبه تاریخی دارد، فرایند تهیه پیشنویس این قانون و در مبحث دوم که از جنبه تحلیلی برخوردار است، متن پیشنویس قانون مزبور مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. مطالعه موضوع این نوشتار از آن جهت واجد اهمیت است که گزارشها، مباحثات، تحقیقات و مطالعات وسیع در زمینه تهیه و تدوین قانون بین‌الملل جزا طی حدود نیم قرن، در آثار و تألیفات حقوقی کشور ما بازتاب چندانی نداشته و این در حالی است که منافع و مصالح «ملی - حقوقی - علمی» ما

گفتنی است که عنوان فوق‌الذکر را در فارسی «طرح مجموعه مقررات مربوط به جرایم ضد صلح و امنیت بشری» نیز ذکر کرده‌اند. رک. فلسفی، دکتر هدایت‌الله: «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۸، ۱۳۶۹، ص ۸۰.

نیز ایجاب می‌کند تا به مسائل حقوقی جهانی، خصوصاً به مسأله «قانون بین‌الملل جزا» توجه عمیق و جدی مبذول گردد.

کنفرانس روز سه شنبه ۱۳۷۲/۲/۷ آقای رنالد اتنف،^{۱۶} دبیرکل انجمن بین‌المللی حقوق جزا، پیرامون «پیشنویس موقت قانون بین‌الملل جزا»^{۱۷} در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ما را برآن داشت تا این موضوع را، آن طور که در کمیسیون حقوق بین‌الملل و در مجامع علمی بررسی شده و می‌شود، مورد تحقیق و مطالعه تفصیلی قرار دهیم تا شاید زمینه مطالعات عمیق‌تر حقوقدانان کشور و نیز پژوهش‌های وسیع‌تر پژوهشگران و دانشجویان حقوق را فراهم سازد.

مبحث ۱

فرایند تاریخی

تدوین پیش‌نویس قانون جرایم

علیه صلح و امنیت بشری و مجازات آنها

پس از خاتمه جنگ دوم جهانی و تأسیس سازمان ملل متحد، کار «قانون نویسی» در

16. Reynald Ottenhof.

17. *Projet de Code Penal international (C. P. I.)/ Draft of International Penal Code (I. P. C.)*.

زمینه حقوق بین‌الملل جزا به‌منظور تدوین یک سیاست جنایی بین‌المللی منظم و سنجیده آغاز گردید. این سازمان از یک سو با اعتقاد به این واقعیت که کل بشریت اعضای یک خانواده‌اند، و از سوی دیگر به عنوان پاسدار صلح و امنیت بین‌المللی، از همان ۱۹۴۶ بر آن شد تا اسباب و ابزارهای حقوقی بین‌المللی مناسب را برای تحقق چنین هدف والایی فراهم سازد. نخستین کوششهای سازمان، با عنایت به وقایع دو جنگ اخیر جهانی، به بررسی و تعیین انواع جرایم بین‌المللی و مقررات مربوط به آن منحصر گردید (گفتار نخست)، لیکن به تدریج مسأله ضمانت اجرای کیفری این گونه جرایم و مجازات عاملان آنها نیز مورد توجه قرار گرفت (گفتار دوم).

گفتار نخست

تاریخچه تدوین و تصویب موقت پیشنویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری

مجمع عمومی سازمان ملل در نخستین

درآمدی بر پیشنهاد نویس ... ❖ ۲۶۹

اجلاس با تصویب قطعنامه (۱) ۹۵ در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶، تلاش‌های خود را برای تدوین قانون بین‌الملل جزا و ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری آغاز کرد و به «کمیته تدوین حقوق بین‌الملل»^{۱۸} مأموریت داد تا جرایم علیه صلح و امنیت بشری را در قالب یک پیش‌نویس به صورت کلی تنظیم و انشاء کند. سازمان ملل متحد در نوامبر ۱۹۴۷ «کمیسیون حقوق بین‌الملل» را جانشین کمیته تدوین حقوق بین‌الملل نمود و مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ کمیسیون جدید التأسیس را مأمور کرد تا:

الف. اصول حقوق بین‌الملل را که در اساسنامه دادگاه نورنبرگ و احکام آن دادگاه مندرج است استخراج و تدوین کند؛
ب. پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری را با توجه به مفاد بند الف و اصول مندرج در آن تهیه و تنظیم نماید.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۴۹ بدواً یک کمیته فرعی و یک گزارشگر ویژه

18. The Committee on the codification of international law.

به نام زان اسپروپولوس^{۱۹} را مأمور تهیه پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری کرد. اسپروپولوس نخستین گزارش خود را در این خصوص در ۱۹۵۰ تقدیم داشت. مجمع عمومی سپس مأموریت تهیه پیش‌نویس اساسنامه‌ای برای تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری را به گزارشگر ویژه دیگری به نام ریکاردو آلفارو^{۲۰} محول نمود که او نیز نخستین نتایج مطالعات خود را در این زمینه در مارس ۱۹۵۰ به کمیسیون حقوق بین‌الملل تسلیم کرد. ریکاردو در گزارش خود مستدلاً تأکید می‌کند که قانون جزای ماهوی بین‌المللی و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری لازم و ملزوم یکدیگرند. لیکن برخلاف منطق سیاست قانون‌نویسی و قانونگذاری، عملاً شکاف و فاصله‌ای بین این دو طرح قانونی بوجود آمد، زیرا کار تهیه طرح قانون بین‌الملل جزا و، همزمان با آن، تهیه طرح قانون تأسیس دادگاه بین‌المللی کیفری هر کدام به‌طور جداگانه بین دو گروه تقسیم شده بود، در حالی که با وجود ارتباط نزدیک

19. Jean Spiropulos.

20. Ricardo Alfaro.

بین این دو قانون، می‌باید یکجا و توسط یک گروه تهیه می‌شد.^{۲۱}

پیشنویس دوم و تجدیدنظر شده قانون بین‌الملل جزا در آوریل ۱۹۵۱ توسط اسپروپولوس به کمیسیون حقوق بین‌الملل ارائه گردید، ولی ناکامی این پیشنهاد در به دست دادن تعریفی از جرم «تجاوز»، علی‌رغم این اعتقاد که باید به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین جرم در میان جرایم بین‌المللی در قانون پیش‌بینی شود، سبب شد که علاوه بر دو گزارشگر ویژه که مشغول تهیه پیشنهادی قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری و پیشنهادی اساسنامه ایجاد دادگاه بین‌المللی کیفری بودند، گروه مستقل دیگری نیز به‌منظور تهیه و ارائه تعریفی از «تجاوز» در قانون مذکور تعیین گردد.

به این ترتیب، کار تهیه قانون بین‌الملل جزا، تهیه اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری و ارائه تعریف جرم «تجاوز» همزمان با هم شروع شد. مجمع

۲۱. در همان سال به گزارشگر دومی به نام Emil Sandstrum نیز مأموریت داده شد تا به اتفاق آلفارو در خصوص طرح ایجاد یک دادگاه بین‌المللی کیفری مطالعات بیشتری انجام دهد.

عمومی در ۱۹۵۱ کمیته ویژه‌ای برای تدوین اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری تشکیل داد. این کمیته در اوت ۱۹۵۱ پیشنویس اساسنامه را تکمیل و جهت بررسی و اظهارنظر برای کلیه دولتهای عضو سازمان ملل ارسال نمود. پاسخها و دیدگاههای اعلام شده نشان داد که بسیاری از دولتها هنوز تمایلی ندارند تا از بخشی از حاکمیت ملی خود به نفع صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری چشم‌پوشی کنند. برخی از دولتهای مخالف پیشنویس اساسنامه دادگاه نیز پیشنهاد کردند کمیته دیگری برای بررسی امکان تأسیس چنین دادگاهی براساس کلیه نظرات دریافتی از دولتهای عضو، تأسیس گردد.

کمیته ویژه در اوت ۱۹۵۳، با تجدیدنظر در پیشنویس اساسنامه تهیه شده در ۱۹۵۱، به کار خود پایان بخشید. از جمله اصلاحات به عمل آمده در آن پیشنویس، تعدیل خصیصه اجباری بودن صلاحیت دادگاه برای دولتها بود. پیشنویس مذکور در ۱۹۵۴ به نخستین اجلاس مجمع عمومی تقدیم گردید، ولی مجمع عمومی در ۴ دسامبر همان سال تصمیم گرفت که چون پیشنویس

درآمدی بر پیشنویس ... ❖ ۲۷۲

اساسنامه حاوی مسائلی است که با آنچه در تعریف جرم «تجاوز» بیان شده و خواهد شد ارتباطی نزدیک دارد، لذا بدواً به بررسی پیشنویس قانون بین‌الملل جزا، که همزمان توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل تقدیم مجمع عمومی شده بود، بپردازد. پیشنویس اخیرالذکر، یعنی پیشنویس ۱۹۵۴ قانون بین‌الملل جزا، شامل ۵ ماده به انضمام فهرستی مرکب از دوازده جرم بین‌المللی مستقل از هم بود. در ماده ۲ پیشنویس که به تجاوز اختصاص داشت، تعریفی از این جرم ارائه نشده بود، و آن هم به این دلیل بود که کمیته ویژه تا آن زمان هنوز نتیجه مطالعات خود را در قالب یک تعریف مشخص از تجاوز ارائه نکرده بود. از آنجا که بررسی اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری به اتمام کار بررسی پیشنویس قانون بین‌الملل جزا، و بررسی پیشنویس قانون اخیرالذکر نیز به ارائه گزارش کمیته ویژه مأمور تعریف تجاوز منوط گردیده بود، لذا بررسی پیشنویس ۱۹۵۳ اساسنامه و نیز پیشنویس ۱۹۵۴ قانون بین‌الملل جزا تا ارائه تعریف نهایی تجاوز به تعویق افتاد.

پس از حدود بیست سال، بالاخره کمیته چهارمی که مأمور تدوین تعریف تجاوز بود، کار خود را تکمیل و ارائه نمود و مجمع عمومی به موجب قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ به اتفاق آراء تعریف جرم تجاوز را پذیرفت. در این قطعنامه دولتهای عضو، تجاوز را یک جرم سیاسی تلقی نمودند نه یک جرم عادی. این طرز فکر در منشور سازمان ملل متحد راه یافته است. به موجب منشور، تعیین اینکه عمل ارتكابی تهدید علیه صلح است یاخیر و نیز تعیین ضمانت اجرای مربوط، در محدوده اختیارات شورای امنیت قرار دارد.

مجمع عمومی تا ۱۹۷۸ بررسی پیشنهاد نویس قانون بین‌الملل جزا و اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری را مسکوت گذاشت، سپس تنها بررسی پیشنهاد نویس قانون بین‌الملل جزا را در دستور کار ششمین کمیته قرار داد، بدون اینکه به پیشنهاد نویس اساسنامه دادگاه اشاره ای کرده باشد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در ۱۹۸۱ مجدداً پیشنهاد نویس ۱۹۵۴ قانون بین‌الملل جزا راجع به جرایم علیه صلح و امنیت بشری

درآمدی بر پیشنهاد نویس ... ❖ ۲۷۵

را مورد بررسی قرار داد. در ۱۹۸۲ گزارشگر جدید کمیسیون حقوق بین‌الملل، دودو تیام^{۲۲} از کشور سنگال، نخستین گزارش خود را در مورد پیش‌نویس قانون مزبور که حاوی کلیاتی در باره حقوق بین‌الملل جزا، مسؤولیت دولت و اشاراتی چند در مورد مفاد احتمالی آن قانون بود تهیه کرد.

متون پی در پی پیش‌نویس ۱۹۵۴ قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری تا آخرین پیش‌نویس آن، یعنی پیش‌نویس ۱۹۹۱، از نظر ماهوی مشابه یکدیگر بودند. کمیسیون حقوق بین‌الملل از سی و چهارمین جلسه در ۱۹۸۲ تا چهل و سومین آن در ۱۹۹۱ نه گزارش ویژه از دودوتیام دریافت کرد. طی این جلسات، کمیسیون تصمیماتی مقدماتی در مورد مضمون صلاحیت شخصی و صلاحیت ذاتی اتخاذ و در آخرین جلسه خود چندین ماده از پیش‌نویس قانون را نیز تصویب نمود.^{۲۳}

22. Doudou Thiam.

۲۲. به عنوان مثال: ماده ۱۹ (کشتار دسته جمعی - ژنوساید)، ماده ۲۰ (تبعیض نژادی - آپارتاید)، ماده ۲۱ (نقض بابرنامه یا وسیع حقوق بشر) ماده ۲۶ (صدمات عمدی شدید به محیط زیست).

تاریخچه تهیه طرح قانون بین‌الملل جزا و نیز پیش‌نویس اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری^{۲۴} نشان‌دهنده این است که کار سازمان ملل در این زمینه کند و ناهماهنگ و بدون بازدهی مطلوب بوده و طرح‌های اساسنامه دادگاه و قانون بین‌الملل جزا — آن هم تنها در خصوص پاره‌ای جرایم مهم بین‌المللی — فقط به‌طور موقت به تصویب کمیسیون حقوق بین‌الملل، یعنی مرجع تهیه‌کننده آنها، و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یعنی مرجع بین‌المللی سفارش‌دهنده و بررسی‌کننده آنها، رسیده است.

متن پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری، پس از بررسی تاریخچه تهیه طرح مجازات این جرایم (گفتار دوم)، در

24. Cf. Bassiouni, Ch.: "The History of the Draft Code of crimes Against the Peace and Security of Mankind", in *Nouvelles Etudes Penales*, Ed. Eres, Toulouse, No. 11, P. 1 et s.

گفتنی است که کمیسیون حقوق بین‌الملل سرانجام در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۴ پیش‌نویس اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی را در ۶۰ ماده به تصویب رساند و به مجمع عمومی توصیه کرد کنفرانسی بین‌المللی متشکل از نمایندگان تمام الاختیار کشورها را به‌منظور بررسی پیش‌نویس مزبور و انعقاد یک معاهده برای ایجاد دادگاه کیفری بین‌المللی برگزار کند. مجمع عمومی قاعداً باید به هنگام برگزاری پنجاهمین اجلاس خود در اکتبر ۱۹۹۵، در خصوص تشکیل کنفرانس مذکور نیز اتخاذ تصمیم نماید.

مبحث دوم مطالعه خواهد شد.

گفتار دوم

تاریخچه تدوین نوع و میزان مجازات
جرایم علیه صلح و امنیت بشری (پیشنویس
ماده Z)

کمیسیون حقوق بین‌الملل، در چهل و سومین جلسه، نهمین گزارش آقای دودو تیپام، گزارشگر ویژه، را مورد بررسی قرار داد. این گزارش مشتمل بر دو بخش بود: بخش نخست حاوی مجازاتهای قابل اعمال نسبت به جرایم علیه صلح و امنیت بشری، و بخش دوم متضمن پیشنهادی بود مبنی بر عملی ساختن جدی فکر ایجاد یک دادگاه بین‌المللی و یا نهادی دیگر به عنوان مرجع کیفری واجد خصوصیات بین‌المللی.

بخش نخست، همان طرح ماده Z و پیش‌بینی آن در قانون بین‌الملل جزاست. متن طرح ماده Z به این شرح است:

«هر متهمی که به علت ارتکاب یکی از جرایم مندرج در این قانون مجرم شناخته شود به حبس ابد محکوم خواهد

شد.

در صورت وجود کیفیات مخففه، متهم پس از ثبوت مجرمیت وی، به حبس از ۱۰ تا ۲۰ سال محکوم خواهد شد.

[بعلاوه، متهم ممکن است به ضبط کل یا بخشی از اموال مسروقه یا اموالی که به طور نامشروع تملک کرده محکوم شود. دادگاه در مورد اختصاص چنین اموالی به یک سازمان بشردوستانه، تصمیم خواهد گرفت].»

تهیه‌کننده گزارش، با استناد به اصل قانونی بودن مجازاتها، معتقد بود که مجازات جرایم بین‌المللی باید در طرح موقت قانون بین‌الملل جزا پیش‌بینی شود، که انجام چنین کاری، با توجه به اختلاف نظامهای حقوقی و یا تفاوت روشهای موجود کیفری^{۲۵} در سطح جهان، طبعاً بلااشکال

۲۵. در این زمینه و در خصوص مطالبی که در گفتار حاضر راجع به جنبه‌های مختلف پیش‌نویس ماده Z آورده شده است، رک:

Report of the International law Commission on the work of its forty – third session, 29th April – 19th July 1991, United Nations.

۲۶. در این خصوص رک. خزائی، دکتر منوچهر: «مجازات اعدام براساس کنفرانس بین‌المللی سیراکیز»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۸، ۱۳۶۹، صص ۱۰۵ و بعد؛ و نیز رک.:

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۲۷۹

نخواهد بود.

الف. اختلاف نظامهای حقوقی

در این زمینه مشکل آن است که در حقوق ملی هر کشور، وجود طرز تفکر واحد اخلاقی و فلسفی، به برقراری یک نظام واحد کیفری قابل اعمال نسبت به تمام جرایم می‌انجامد؛ در صورتی که در حقوق بین‌الملل با وجود اختلاف عقیده فلسفی — سیاسی، پذیرش نظامی واحد امکان‌پذیر نیست و تفاوت و ناهمگونی مجازات‌ها و ضمانت اجراها در کشورهای مختلف حتی برای جرایم واحد گواه این امر است. برای مثال، کیفر اعدام و مجازات‌های ترهیبی دیگر مثلاً قطع اعضای بدن از جمله کیفرهایی است که در حقوق جزای داخلی پاره‌ای کشورهای برای جرایم شدید و

- La Peine de mort dans le monde d'aujourd'hui, Revue International de droit Penal, 1987, Nos, 3-4.

- Cario, R.: (Sous la direction de), La Peine de mort au seuil du troisieme millenaire, Ed. Eres, Toulouse, France, 1993.

گفتنی است که برابر آرمای‌های موجود در ژوئن ۱۹۹۳، جمعاً هفتاد و یک کشور قانوناً و یا عملاً مجازات مرگ را از «زرادخانه کیفری» خود زدوده‌اند و شانزده کشور این کیفر را فقط در مورد جرایم عادی (Ordinary crimes) لغو کرده‌اند. رک.:

Prokosch, E.: "The Death Penalty; List of abolitionist and retentionist countries", in International Review of Penal Law, Nos. 3-4, 1992 bis, PP. 1535-1540.

خطرناک پیش‌بینی گردیده است. در حالی که اعدام مورد پذیرش بعضی قانونگذاران قرار گرفته و به اجرا نیز گذاشته می‌شود، تعدادی از کشورها آن را مطلقاً از «زرادخانه مجازاتها»ی خود حذف کرده‌اند^{۲۶}. همچنین، مجازات‌هایی چون قطع اعضای بدن، امروز تنها در معدودی از قوانین جزائی موجود در جهان پیش‌بینی شده است و یا عملاً به اجرا گذاشته می‌شود. با توجه به این مسائل، در نظر گرفتن یک نظام واحد کیفری که جنبه بین‌المللی داشته باشد و مورد قبول همه دولت‌ها هم قرار گیرد، بی‌نهایت دشوار خواهد بود.

ب. تفاوت در روش‌های کیفری موجود

در این چارچوب، اعضای کمیسیون طی مباحث و مذاکرات مفصل سعی کرده‌اند برای سه موضوع زیر راه‌حلهایی بیابند:

آیا باید برای جرایم علیه صلح و امنیت بشری، صرف نظر از نوع و شدت آنها، مجازات واحدی انتخاب و پیش‌بینی نمود، یا اینکه به پیروی از حقوق جزای

داخلی کشورها باید، برحسب شدت و ضعف
جرایم، مجازاتهای متعددی تعیین کرد؟
پس از بررسی موارد فوق، سؤالی که
مطرح می‌شود راجع به نوع ضمانت اجرای
کیفری قابل اعمال نسبت به جرایم علیه
صلح و امنیت بشری است. آیا این ضمانت
اجرا باید اعدام باشد یا از نوع سالب
آزادی یا مجازاتهای نقدی یا دیگر ضمانت
اجراهای مقرر و معمول در حقوق داخلی
کشورها؟

۱. در خصوص اینکه آیا مجازاتها در
قانون بین‌الملل جزا پیش‌بینی شود یا
اینکه به قانون داخلی هر کشور احاله
گردد، اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل با
نظر گزارشگر مبنی بر اینکه مجازاتها
باید در متن قانون بین‌الملل جزا
پیش‌بینی شود موافق بودند، زیرا به این
ترتیب قانون بین‌الملل جزا در قالب
معاهده‌ای بین‌المللی مورد تصویب قرار
گرفته و راه برمعايب و تنگناهای ناشی
از اختلاف نظامهای کیفری داخلی بسته
خواهد شد. اما به دلیل ناسازگاری این
راه حل با اصل «هیچ مجازاتی بدون قانون
وجود ندارد»، برخی از اعضای کمیسیون

حقوق بین‌الملل، برخلاف این نظریه، اجازه مجازات‌ها را به حقوق داخلی مرجع می‌دانستند، زیرا تعیین مجازات در قانون بین‌الملل جزا از الحاق بسیاری از کشورها به معاهده بین‌المللی، با این استدلال که باید قانون داخلی خود را تغییر دهند، جلوگیری می‌کند. البته، امکان دارد که چنین طرحی مورد استقبال دولتها واقع نشود.

۲. آن دسته از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل که طرفدار درج مجازات‌ها در قانون بین‌الملل جزا بودند، در مورد مجازات واحد برای تمام جرایم یا تعیین مجازاتی جداگانه برای هر جرم به دو گروه با دو طرز تفکر تقسیم شدند: بعضی معتقد به برقراری مجازات‌های مستقل و مجزا برحسب انواع جرایم مربوط بودند؛ و برخی دیگر مجازات واحدی را پیشنهاد کردند با در نظر گرفتن حداقل و حداکثر و کیفیات مخففه‌ای که در اختیار قاضی گذارده می‌شود.

طرفداران طرز فکر نخست، به ماهیت و طبع هر یک از جرایم توجه کرده و گفته‌اند جرایمی چون کشتار دسته‌جمعی،

تجاوز یا آپارتاید نمی‌تواند مشمول همان مجازاتی قرار گیرد که جرم قاچاق مواد مخدر یا جرم مزدورگیری؛ بنابراین هر چند همگی جرایم مندرج در قانون مستوجب کیفرهای شدیدند، لیکن باید برحسب ماهیت هر یک از آنها مجازاتهای متفاوتی را اعمال نمود. شدت مجازاتها باید برحسب ماهیت جرم و اوضاع و احوال ارتکاب آن تعیین گردد. نباید دست قاضی در این مسأله به‌طور نامحدود بازگذاشته بود، بلکه باید مجازات خاص هر جرم با تعیین حداقل و حداکثری برای آن پیش‌بینی گردد. طرفداران فکر دوم، یعنی کسانی که مجازات واحد با حداقل و حداکثر همراه با کیفیات مخففه را پیشنهاد می‌کردند، به درجه «شدت» کلیه جرایم علیه صلح و امنیت بشری اشاره کرده و گفته‌اند: معیاری که برای انتخاب این جرایم و گنجاندن آنها در پیش‌نویس مورد توجه واقع شده است، «بسیار مهم و شدید بودن» همه جرایم مزبور بوده است. به عبارت دیگر، جرایم علیه صلح و امنیت بشری، خطرناک‌ترین و شدیدترین جرایم از میان خطرناک‌ترین جرایم موجود است. اگرچه از

نظر درجه اهمیت و خطرناکی، می‌توان بین خود این جرایم نیز قائل به تفاوت تفکیک شد و به عنوان مثال تجاوز یا کشتار دسته‌جمعی را از سایر جرایم علیه صلح و امنیت بشری شدیدتر و مهم‌تر تلقی کرد و بنابراین گفت که عدالت و انصاف اقتضا می‌کند که هر یک از این جرایم، بنابر درجه شدت و مسؤولیت مباشر آن باید مجازات شود، لیکن چون این راه حل، یعنی تعیین درجه اهمیت و شدت هر جرم و سپس تعیین مجازات مناسب برای هر یک از آنها به بحث‌های طولانی و پایان ناپذیری منجر خواهد شد، لذا می‌توان تشخیص تفاوت میان جرایم علیه صلح و امنیت بشری را در عمل به قاضی دادگاه محول کرد، بدین معنی که مجازات واحدی برای همه آنها همراه با حداقل و حداکثر قابل تغییر پیش‌بینی می‌شود و این قاضی است که، با توجه به درجه اهمیت و شدت جرایم مزبور، میزان مجازات هر یک را در حکم خود تعیین خواهد کرد.

کمیسیون در عمل و با رعایت واقع بینی، انتخاب دیگری جز قبول اصل «مجازات واحد و مشترک» برای همه جرایم

علیه صلح و امنیت بشری، به شرحی که آمد، نداشت و بدین ترتیب پیشنهاد گروه دوم را پذیرفت.

۳. اما موضوع نوع مجازات قابل اعمال نسبت به عاملان جرایم پیش‌بینی شده در قانون بین‌الملل جزا بحثی بود که در میان اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل مطرح شد. راه حل پیشنهادی گزارشگر ویژه در این مورد در طرح ماده Z منعکس گردیده که به شرح زیر مورد بررسی اعضای کمیسیون قرار گرفته است:

۱-۳- مجازات اعدام:

کمیسیون حقوق بین‌الملل با تعیین مجازات اعدام در قانون بین‌الملل جزا نظر موافق ندارد. اعتقاد اعضای کمیسیون در تأیید نظر گزارشگر ویژه بر این بود که کمیسیون نباید در قبال گرایشی که امروزه در جهان - چنانکه در بحث اختلاف نظام حقوقی کشورها ملاحظه شد - در جهت لغو این مجازات وجود دارد، موضع مخالفی اتخاذ کند. لغو مجازات اعدام مبین پیشرفت اخلاقی جامعه بشری است که باید در تقویت آن کوشید. مجازات اعدام

اقدامی عبث است زیرا در واقع هیچ کس حق ندارد فردی را از حیات محروم سازد. براساس همین عقاید بود که این مجازات دیری است از قوانین کیفری داخلی بعضی کشورها حذف شده است. دولتهایی که مجازات اعدام را از قوانین خود بیرون رانده اند، تلاش کرده اند کیفر جایگزینی برای آن در نظر بگیرند. مراجع بین‌المللی متعددی در سطح جهانی، و نیز انجمنهای مختلفی در سطح ملی، به لغو قانونی مجازات اعدام یا لغو عملی آن یا تعدیل آن با پیش‌بینی مجازات دیگر حکم داده اند که در بین آنها دومین پروتکل اختیاری مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دقیقاً شاهد بارزی برای این مدعاست. قطعنامه ۴۴/۱۲۸ مجمع عمومی، معاهده اروپایی پاسداری و حمایت از حقوق بشر و آزادیهای اساسی و پروتکل معاهده آمریکایی حقوق بشر نیز بر لغو مجازات اعدام تأکید بسیار گذارده اند.

بعضی اعضای کمیسیون معتقد بودند که دولتهای ذینفع باید در انتخاب مجازات اعدام آزاد گذاشته شوند. عدم قبول اعدام در حد یک مجازات در قانون

بین‌المللی جزا، پذیرش و تصویب این قانون را در سطح جهانی به مخاطره خواهد انداخت، زیرا هنوز کشورهای بسیاری هستند که در قوانین ملی خود مجازات اعدام را پیش‌بینی کرده و به اجرا می‌گذارند.

۲-۳- حبس دائم :

بعضی اعضای کمیسیون از پیش‌بینی مجازات حبس دائم در قانون بین‌الملل جزا طرفداری می‌کردند و خصوصاً آن را جایگزین مناسبی برای کیفر مرگ می‌دانستند، کما اینکه آن دسته از کشورهای که مجازات اعدام را از قانون جزای خود حذف نموده‌اند، حبس دائم را جایگزین آن کرده‌اند. حبس دائم تنها مجازاتی است که می‌تواند لغو مجازات اعدام را برای قانونگذار قابل توجیه و قبول سازد، ضمن اینکه واجد این مزیت است که، برخلاف اعدام، در موارد اشتباه قضایی، جبران ناپذیر خواهد بود. بعلاوه، تعیین چنین مجازاتی در قانون بین‌الملل جزا از مخالفت طرفداران اعدام نسبت به طرح قانون جزا می‌کاهد و آنها را به انصراف تدریجی از این مجازات در حقوق داخلی

تشویق می‌کند. بالاخره اعضای کمیسیون متذکر شده‌اند که جامعه بین‌المللی، خصوصاً در مورد اثر بازدارنده مجازات مرتکبان این نوع جرایم خشونت‌آمیز، برهدف پیشگیری از ارتکاب مجدد جرایم مزبور و نیز بر پاسداری از حقوق بشر و آزادیهای اساسی تأکید دارد و براساس همین فلسفه بود که کنوانسیون راجع به عدم شمول مرور زمان نسبت به جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت (قطعنامه (۲۳) ۲۳۹۱ مجمع عمومی)، اعلامیه در مورد پناهندگی سرزمینی^{۲۷} (ماده اول قطعنامه (۲۲) ۲۳۱۲ مجمع عمومی) و قطعنامه (۲۸) ۳۰۷۴ مجمع عمومی مربوط به اصول همکاری بین‌المللی راجع به تجسس، بازداشت، استرداد و مجازات مجرمان جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت،^{۲۸} از این طرز تفکر پیروی کرده است. به نظر بعضی اعضا، حتی بعد از گذشت سالهای متمادی حبس، مشکل بتوان از

۲۷. L'Asile territoriale. در خصوص تعریف و تفاوت میان پناهندگی سرزمینی و پناهندگی دیپلماتیک، رک. فلسفی، دکتر هدایت الله: «روشهای اجرای مقررات حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۳-۱۴، ۱۳۷۲، پانوشت ش ۲۸۷

۲۸. در مورد این جرایم رک. فرانسیون، ژاک: «جنايات جنگ و جنايات عليه بشریت»، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، مجله حقوقی، ش ۷، سال ۱۳۶۵، صص ۲۰۷ و بعد.

آزادی محکومان جرایم تجاوز، کشتار دسته جمعی یا سایر جرایم اینچنین وخیم و یا حتی آزادی یک قاچاقچی عمده مواد مخدر سخن گفت. آزاد کردن این قبیل افراد غیرقابل تصور است، بنابراین مجازات نه تنها با جرم بلکه باید با درجه شدت و وخامت عمل ارتكابی منطبق و به هر نحو ممکن بازدارنده باشد. دیکتاتورهایی که پس از شکست، دوباره به زندگی عادی برمی‌گردند، پیوسته به از سرگیری رفتارهای مجرمانه گذشته خود گرایش دارند و اگر این تمایل شخصی آنها نباشد، تشویق و تحریک همداستان و هواخواهان قدیمی، آنان را وادار به این کار خواهد کرد.

بعضی دیگر از اعضای کمیسیون نسبت به حبس دائم، نظری مفید ابراز کرده‌اند. اینان معتقد بودند که بسیاری از قانونگذاران داخلی این نوع مجازات را از نظام حقوقی خود حذف کرده و آن را با بعضی اصول اساسی حقوق بشر مغایر دانسته‌اند. به نظر برخی از آنان، مقصود از مجازات اجرای عدالت است نه مکافات کورکورانه عمل. با گذشت زمان، از وقتی

که مجرم دست از ارتکاب مجدد یک عمل خطرناک برمی‌دارد، انتقام عمومی نیز باید تخفیف یابد. اعمال مجازات حبس دائم نسبت به یک شخص که سال بدون اینکه تخفیفی در آینده برای او تصور باشد، موجب اعتلای وجدان بشری نخواهد شد و بسیاری از کشورهای که در جهت گذشت یا عفو و تعدیل حبس دائم (مثلاً از طریق پیش‌بینی عفو یا آزادی مشروط برای محکوم به حبس ابد) گام برداشته و مقرراتی در مورد آن وضع کرده‌اند.

۳-۳- حبس موقت:

بسیاری از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل معتقد بودند که کار تعیین مجازات حداکثر و حداقل باید در حوزه اختیار قضات قرار گیرد تا مدت حبس برحسب اهمیت و کیفیات هر عمل مجرمانه تعیین گردد و نیز حداکثر حبس ۲۵، ۳۰، ۳۵ و ۴۰ سال و حداقل آن ۱۰، ۱۴ و ۱۵ سال باید پیش‌بینی شود.

به اعتقاد بعضی از اعضا حکم صادره باید غیرقابل تجدیدنظر بوده و زندانی قبل از تحمل همه مجازات حق درخواست

آزادی را نداشته باشد. در مقابل، برخی دیگر بر این نظر بودند که محکوم علیه بتواند، به علت حسن رفتار در زندان، از تخفیف مجازات یا آزادی مشروط استفاده کند. یکی از اعضا پیشنهاد کرد که یک «شورای بین‌المللی»^{۲۹} برای بررسی درخواستهای عفو و بخشودگی و آزادی مشروط و مراقبتی ایجاد شود. به نظر وی تقاضای آزادی مشروط وقتی باید قابل طرح و رسیدگی باشد که محکوم علیه حداقل دوسوم از مجازات خود را تحمل کرده باشد.

اما در مورد حبس موقت چند تن از اعضا مسائلی را درباره بند ۲ طرح ماده پیشنهادی گزارشگر، یعنی پیش‌نویس ماده Z، گوشزد نمودند. ایشان ضمن پذیرش امکان فردی کردن و تعدیل مجازات پیشنهادی در این بند، بر باز بودن دست دادگاه برای در نظر گرفتن و اعمال کیفیات مخففه یا مشدده در تعیین و صدور حکم مناسب، تأکید گذارده و به‌ویژه از عواملی چون شخصیت مرتکب جرم، اوضاع و احوال موجود در زمان ارتکاب بزه، درجه وخامت ناشی

29. Conseil international.

از ارتکاب آن و تمایز بین مرتکبان اصلی یا افرادی که سهم مهمی در ارتکاب جرم داشته‌اند (شریک یا معاون) و نیز اشخاصی که مأمور بوده و تحت امر مافوق عمل کرده‌اند، در عداد عوامل مهم برای تعیین مجازات مناسب از جانب قاضی یاد کرده‌اند.

برخی از اعضا یادآور شدند که در بین کیفیات مشدده، عدم رعایت قطعنامه‌های شورای امنیت، رفتار ناشایست متهم، سبق تصمیم، طرح ریزی قبلی نقشه مجرمانه و اجرای آن مطابق روش خاص، مثلاً در یک طرح مجرمانه کشنار دسته جمعی، و از بین کیفیات مخفیه، اقدام یا شروع به جرم ساده یا عدم مسؤولیت کیفری نسبی متهم باید در هنگام تعیین کیفر مورد ملاحظه قرار داده شود.

به نظر بعضی از اعضاء از لحاظ لفظی، کلمه «حبس» که توسط گزارشگر در بندهای ۱ و ۲ ماده پیشنهادی عنوان گردیده، مبهم توصیف شده است، زیرا در حقوق داخلی بسیاری از کشورها اشکال مختلف حبس مثل حبس جنایی و حبس ساده وجود دارد. لذا به نظر آنها بهتر این

بوده است عبارتی «بی‌طرفتر» از نظر معنا و مفهوم، مانند «مجازات سالب آزادی»، بکار برده شود.

۴-۳- ضبط اموال:

عده‌ای از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، نظرات خود را بر موضوع بند ۳ پیش‌نویس ماده ۳۰Z ارائه شده توسط گزارشگر، یعنی توقیف و ضبط اموال مسروقه، متمرکز نموده‌اند.

برخی از این اعضا چنین گمان کرده‌اند که منظور از این بند تبیین مجازات نیست بلکه غرض از آن تدبیری است ساده برای استرداد بدون تریب؛ از این رو باید معلوم شود که توقیف و ضبط اموال به مقوله استرداد اختصاص دارد یا به مقوله مجازات.

این بند از نظر انشای فعلی آن و نیز از این نظر که ضبط به عنوان استرداد تلقی شود، اشکالات زیادی را

۳۰. بند ۳ طرح مقرر می‌دارد: «بعلاوه، متهم ممکن است به ضبط کل یا بخشی از اموال مسروقه یا اموالی که به‌طور نامشروع تملک کرده محکوم شود. دادگاه در مورد اختصاص چنین اموالی به یک سازمان بشردوستانه، تصمیم خواهد گرفت».

بوجود می‌آورد که اعضا به آنها اشاره کرده‌اند:

اولاً، عبارت «اموالی که به‌طور نامشروع تملک کرده» ظاهراً متضمن «اموال مسروقه» نیز هست و از این لحاظ، قید اخیر غیرضروری و بی‌فایده می‌نماید. ثانیاً، منافع حاصله از اموالی که به‌طور نامشروع تملک کرده است نیز قاعداً باید توقیف و ضبط شود.

ثالثاً، معلوم نیست چرا ضبط ممکن است فقط شامل بخشی از این قبیل اموال گردد. دلیلی که در این خصوص اقامه شده به هیچ‌وجه متقاعدکننده نیست، زیرا همان طور که خود مجرم نمی‌تواند از این اموال برخوردار شود، همسر و وراث او نیز نباید بتوانند از چنین اموالی که از راه نامشروع تحصیل شده است، استفاده کنند.

رابعاً، انتقال اموال به یک سازمان بشردوستانه هر چند که فکر بسیار قابل‌تحسینی است اما براساس کدام اصل، دادگاه باید اموال موردنظر را به آن سازمان اختصاص دهد؟ اموال مسروقه باید به صاحبان قانونی آن مسترد گردد. فقط

در موارد بسیار استثنایی که مالک قانونی اموال مسروقه فوت شده و وارثی هم از خود به جا نگذاشته باشد، مسأله واگذاری آنها به میان می‌آید.

بعضی از اعضای کمیسیون پیشنهاد کردند که طرح ماده می‌باید ضبط اموال را یا به‌عنوان مجازات تکمیلی، یعنی به‌منزله مجازات پیش‌بینی شده‌ای در قانون که اجرای آن در اختیار دادگاه خواهد بود، یا به‌عنوان مجازات تبعی، که در این صورت مجازات اخیر خودبخود به کیفر اصلی یعنی حبس اضافه می‌گردد، پیش‌بینی کند. این اعضا چنین تصور می‌کردند که مجازات ضبط، برحسب مورد، می‌توانسته است یکی از این دو جنبه را به خود بگیرد: مواردی که این مجازات نسبت به آنها خودبخود اعلام می‌شود (مثلاً ضبط اشیائی که در ارتکاب جرم در دست رسیدگی مورد استفاده واقع شده است، ضبط وسایل تولید و حمل مواد مخدر، ضبط عایدات حاصل از فعالیت‌های مجرمانه، ضبط اموال و سودهایی که به‌طور نامشروع به مناسبت فعالیت مجرمانه تحصیل شده است)؛ و موارد دیگری که ضبط اموال در قبال آنها

جنبه اختیاری خواهد داشت.

پیشنهاد‌های زیادی توسط اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل درباره سرنوشت اموال - چه در موردی که اموال تملک شده به صورت غیرقانونی که ضبط هم شده و مالک قانونی یا صاحب حق ندارد، چه در موردی که ضبط اموال به عنوان مجازات اعمال شده - ابراز گردیده است. در این زمینه گفته شده که این اموال ممکن است در وهله نخست به ترمیم و جبران ضرر و زیان وارده به مجنی‌علیهم این قبیل جرایم یا به دولت خسارت دیده اختصاص داده شود. بعضی دیگر، با اتکا به نظر گزارشگر ویژه، معتقد بودند که این اموال به یک سازمان انسان دوستانه مثل کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، یونیسف، یک سازمان بین‌المللی مبارزه علیه قاچاق بین‌المللی مواد مخدر و ... داده شود.

برخی از اعضا پیشنهاد کردند که این اموال به صندوقی که هزینه عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد را تأمین می‌کند یا به صندوقی که در اختیار دبیر کل این سازمان قرار دارد و هدفش کمک به دولتهایی است که توان مالی مراجعه به

درآمدی بر پیشنهاد نویس ... ❖ ۲۹۷

دیوان دادگستری بین‌المللی را ندارند، سپرده شود. پیشنهاد دیگر این بود که اگر در استرداد این قبیل اموال به صاحبان قانونی آن، به جهاتی توفیقی حاصل نشود، در اختیار دولت قرار داده شود تا آن صرف امور موردنظر خود بنماید. در مورد اموال ضبط شده به مناسبت قاچاق یک ماده مخدر، پیشنهاد شد که این قبیل اموال در اختیار مراکز ترک اعتیاد معتادان گذاشته شود، یا به دولتی که متهم را محاکمه می‌کند، یا به دولتی که مأمور اجرای حکم دادگاه خواهد شد و یا به ضابط دادگاه کیفری بین‌المللی سپرده شود.

۳-۵- سایر مجازات‌ها:

بعضی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل پیشنهاد کردند که مجازات‌های حبس و مصادره اموال که از سوی گزارشگر ویژه پیشنهاد شده است، باید با مجازات‌های دیگری تکمیل گردد. با توجه به خصوصیت جرایم مورد نظر، یادآوری شده است که کیفرهای پیش‌بینی شده هم تریبی باشد، یعنی مجرم را متحمل رنج و مشقت

بدنی کند، و هم ترذیلی، یعنی از لحاظ حیثیت معنوی و اجتماعی برای مجرم تحقیرکننده و موهن باشد.

دشوار خواهد بود که با مباشر چنین جرایمی به نحو ملایم‌تری نسبت به مباشر یک جرم حقوق عمومی یا یک جرم سیاسی کلاسیک رفتار شود. بدین‌سان، یکی از اعضای کمیسیون پیشنهاد کرده که کیفرهای تبعی محرومیت مطلق و سلب حقوق مدنی نیز در طرح قانون پیش‌بینی شود. اعضای دیگر، جریمه و کارهای عمومی و عام‌المنفعه را پیشنهاد کردند. در خصوص جریمه، یکی از اعضا یادآوری کرد که جریمه در واقع شکلی از ضبط است. و اما در مورد خدمات عمومی و عام‌المنفعه، بعضی اعضا معتقد بودند که باید این موضوع را با احتیاط زیادی مطرح کرد، زیرا تعیین مرز میان مجازات‌های پیشنهادی خدمات عمومی و عام‌المنفعه و اعمال شاقه دشوار است و از همه مهم‌تر، اعمال شاقه به موجب کنوانسیون خاص در زمینه حقوق بشر منع شده است.

گزارشگر ویژه، با توجه به آراء و عقاید اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل در

خصوص مجازاتهای قابل اعمال، وجود تشتت آراء میان آنها را احراز و چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

به عقیده بعضی، تعیین مجازاتها در صلاحیت حقوق داخلی است و کمیسیون این مورد را باید کلاً کنار گذارد. گزارشگر ویژه با این نظر موافق نیست. به عقیده او کمیسیون کاملاً می‌تواند برای اجرای مجازاتها و حتی مجازاتهای معین پیشنهادهایی بنماید، بدون اینکه در مورد اولویت و حق تقدم دولت‌ها به‌عنوان آخرین مرجع صلاحیت دار در تصمیم‌گیری، اصرار ورزد. کنار گذاردن مجازاتهای قابل اعمال، سبب ایراد انتقاداتی به نویسندگان طرح ۱۹۵۴ قانون بین‌الملل جزا خواهد شد مبنی بر اینکه در مقررات مربوط به جرایم علیه صلح و امنیت بشری، علی‌رغم قاعده «هیچ مجازاتی بدون قانون وجود ندارد»، ضمانت اجرایی تعیین نشده است.

با توجه به واکنش ابراز شده نسبت به طرح ماده راجع به مجازاتهای قابل اعمال، گزارشگر ویژه وجود اختلاف نظر در این مورد را محرز دانسته است. برخی از

اعضای کمیسیون چنین وانمود می‌کنند که حسب تحولات حقوق بین‌الملل، مجازات اعدام به دلایل اخلاقی، فلسفی و قراردادی دیگر متروک و لغو شده است و حتی بعضی از آنها مجازات حبس ابد را نیز مردود می‌دانند. لیکن باید گفت که گزارشگر این طرز فکر را خیلی مبالغه‌آمیز می‌داند. نباید از نظر دور داشت که جرایم موردنظر در طرح قانون بین‌الملل جزا از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به یک نظام اجرایی استثنایی نیازمند است، چنانکه کمیسیون این جرایم را مشمول مرور زمان ندانسته است. به نظر او اگر در بین مجازاتها، اعدام حذف شود، باید در طرح ماده Z حداقل حبس ابد حفظ و پیش‌بینی گردد.

در مورد کیفیات مشدده، به نظر گزارشگر ویژه، به یک دلیل ساده از این مورد باید منصرف شد و آن این است که، با توجه به ماهیت شدید و خطرناک این قبیل جرایم، به دشواری می‌توان پذیرفت که کیفیات مشدده دیگری بتواند برای آنها وجود داشته و متصور باشد.

در خصوص مجازاتها، دلیل پیش‌بینی یک

قاعده کلی قابل اعمال نسبت به تمام جرایم مندرج در قانون توسط گزارشگر آن بوده است که به نظر وی تمام جرایم شدت و خطرناکی یکسانی دارند و بنابراین می‌توان آنها را در یک ردیف قرار داد. لیکن این قاعده، آن اندازه هم که به نظر می‌رسد غیرقابل انعطاف نیست، زیرا با توجه به پذیرش کیفیات مخفیه، قاضی همواره می‌تواند با توسل به این کیفیات کیفر را تعدیل و «فردی» کند، یعنی آن را با درجه اهمیت و خطرناکی جرم ارتكابی و مسؤولیت عامل آن منطبق سازد. در مورد مصادره اموال، گزارشگر قبول دارد که فرمول پیشنهادی در متن پیش‌نویس ماده Z کاملاً متقاعد کننده نیست و شاید بهتر باشد که مصادره کلی اموال پیش‌بینی شود؛ بعلاوه، از مصادره اموال به منزله جبران ضرر و زیان که به مدعی خصوصی مربوط می‌گردد و او باید آن را درخواست نماید، انصراف حاصل شود. با توجه به عقاید و نظرات مختلف اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، گزارشگر ویژه یعنی آقای دودوتیام دو متن جدید برای طرح ماده Z به شرح زیر انشاء و

پیشنهاد نموده است:

متن اول:

«هرکس که به وسیله ارتکاب یکی از جرایم پیش‌بینی شده در این قانون مقصر شناخته شود، به [حبس جنایی ابد]^{۳۱} حبس جنایی غیرقابل تغییر از ۱۵ تا ۳۵ سال - و در صورت تشخیص دادگاه با جمع با مجازات یا مجازاتهای زیر - محکوم خواهد شد:

۱. انجام کارهای عمومی و عام المنفعه،
۲. توقیف و ضبط کلی یا جزئی اموال،
۳. محرومیت از تمام یا برخی از حقوق مدنی و سیاسی».

متن دوم:

۳۱. گزارشگر ویژه با در قلاب قرار دادن «حبس جنایی ابد» در واقع این مجازات را نیز، برای انتخاب احتمالی کمیسیون، در دو متن پیشنهادی آورده است تا آنها بتوانند آن را یا به جای حبس موقت و یا همراه با آن بر ضد جرایم علیه صلح و امنیت بشری برگزینند. گزارشگر ویژه بدین وسیله خواسته است که اعضای کمیسیون به هنگام شور و تصمیم‌گیری پیرامون مجازات یا مجازاتهای جرایم مزبور، امکان انتخاب حبس جنایی ابد را نیز داشته باشند.

درآمدی بر پیشنهاد نویسنده... ❖ ۳۰۳

« ۱. دادگاه می‌تواند یکی از مجازاتهای زیر را در حکم خود تعیین و اعمال نماید:

الف. [حبس جنایی ابد]^{۳۲}

ب. حبس جنایی غیرقابل تغییر از ۱۰ تا ۳۵ سال.

۲. بعلاوه دادگاه می‌تواند به مجازاتهای زیر حکم دهد:

الف. انجام کارهای عمومی و عام المنفعه،

ب. توقیف و ضبط کلی یا جزئی اموال،

ج. محرومیت از تمام یا برخی از حقوق مدنی و سیاسی».

بدین‌ترتیب، ملاحظه می‌شود که مسأله مجازاتهای قابل اعمال نسبت به مرتکبان جرایم بین‌المللی مندرج در متن پیشنهادی نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری نیز هنوز در قالب یک «طرح» در کمیسیون حقوق بین‌الملل و مجمع عمومی در دست بررسی است.

مبحث ۲

تحلیل متن پیشنهادی

۳۲. رک. توضیحات پانوشت پیشین.

قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری

تدوین متن طرح قانون بین‌الملل جزا، گامی مهم در تدوین مقررات و «قانون نویسی» برای حقوق بین‌الملل جزا محسوب می‌گردد. زیرا حقوق بین‌الملل برای مبارزه و مقابله با بزهکاری بین‌المللی قانونمند، توانمند و مسلح می‌شود و نظم حقوقی بین‌المللی نیز بمانند نظم حقوقی ملی کشورها ضمانت اجرای کیفری می‌یابد و بدین‌ترتیب سیاست جنایی بین‌المللی برای تحقق اهداف و رسالتهای اولیه خود، که حمایت و پاسداری از نظم حقوقی بین‌المللی در رأس آنها قرار دارد، به ابزارهای اساسی کیفری مجهز می‌گردد.

قانون نویسی و «قانونگذاری» کیفری در سطح سازمان ملل متحد، به عنوان یک مرجع رسمی جهانی، به اندازه قدمت خود این سازمان سابقه دارد. بنابراین، اندیشه مصون کردن نظم حقوقی، سیاسی و اجتماعی جهانی از طریق ایجاد و اعمال یک نظام بین‌المللی کیفری مدون و منسجم جزء نخستین مطالعات و اقدامهای مجمع عمومی سازمان ملل متحد بوده است. حاصل

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۰۵

این قبیل مطالعات، مذاکرات و فعالیتهای در زمینه حقوق بین‌الملل جزا قبل از هر چیز، تدوین و تصویب موقت پیش‌نویس «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری»^{۳۳} است که در مبحث حاضر ابتدا به بررسی ساختار و جنبه‌های شکلی آن (گفتار نخست) و سپس به تحلیل خود متن و پیش‌نویس، یعنی در واقع محتوا و مواد آن (گفتار دوم) پرداخته خواهد شد.

گفتار نخست

ساختار پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری

متن پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری مشتمل است بر بیست و شش ماده که در دو بخش انشاء و تدوین شده است.

بخش نخست فاقد عنوان است و مواد ۱ تا ۱۴ را در برمی‌گیرد در این بخش، اصول کلی و عمومی حقوق بین‌الملل جزا یا اصول حقوق جزای عمومی بین‌الملل طی مواد

۳۳. برای ملاحظه متن انگلیسی این پیش‌نویس و برگردان فارسی آن رک. «بخش اسناد بین‌المللی» همین شماره مجله حقوقی.

مذبور آمده است و به همین جهت شاید انتخاب عنوان «کلیات» برای آن مناسب باشد. بخش نخست خود به دو فصل تقسیم می‌گردد. در فصل نخست تحت عنوان «تعریف و توصیف» که شامل مواد ۱ و ۲ قانون می‌شود، در واقع به تعریف جرم بین‌المللی و استقلال این تعریف نسبت به تعریف جرم در حقوق داخلی می‌پردازد. فصل دوم با عنوان «اصول کلی» شامل مواد ۳ تا ۱۴ است که به‌طور خاص اصول کیفری راهبردی حقوق بین‌الملل جزا از قبیل مسؤولیت و مجازات ارتکاب جرم، تکلیف به محاکمه یا استرداد مجرم، عدم شمول مرور زمان، اعتبار امر قضاوت شده، عطف بماسبق نشدن قانون، علل رافع مسؤولیت، کیفیات مخفیه و ... را احصاء و انشاء کرده است.

بخش دوم، برخلاف بخش نخست، دارای عنوان است لیکن مواد ۱۵ تا ۲۶ مندرج در آن بمانند بخش نخست فصل‌بندی نشده است. عنوان بخش دوم «جرایم علیه صلح و امنیت بشری» است. همان‌گونه که از این عنوان برمی‌آید، بخش دوم ضمن احصاء بعضی از مصادیق جرایم بین‌المللی، در واقع منبع حقوق جزای اختصاصی بین‌الملل را تشکیل

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۰۷

می‌دهد. دوازده ماده بخش دوم، دوازده جرم بین‌المللی شامل تجاوز (ماده ۱۵)، تهدید به تجاوز (ماده ۱۶)، مداخله (ماده ۱۷)، سلطه استعمارگرانه، سایر اشکال استیلای خارجی (ماده ۱۸)، کشتار دسته جمعی (ماده ۱۹)، آپارتاید (ماده ۲۰)، نقض با برنامه یا وسیع حقوق بشر (ماده ۲۱)، جرایم جنگی فوق العاده مهم (ماده ۲۲)، استخدام، بکارگیری، تأمین مالی و آموزش مزدوران (ماده ۲۳)، تروریسم بین‌المللی (ماده ۲۴)، قاچاق مواد مخدر (ماده ۲۵)، و صدمات عمدی و شدید به محیط زیست (ماده ۲۶) را احصاء و تعریف می‌کند. پاره‌ای از این عناوین مجرمانه دارای مصادیق متعددی هستند که در ذیل ماده مربوطه ذکر و تعریف شده‌اند. به عنوان نمونه، قتل عمد، شکنجه، کارهای اجباری و اعمال شاقه، برده‌داری، تبعید یا انتقال اجباری اقوام مختلف و ... از جرایم موضوع ماده ۲۱ هستند که تحت عنوان کلی «نقض با برنامه یا وسیع حقوق بشر» احصاء شده‌اند.

بدین ترتیب، کمیسیون حقوق بین‌الملل

سعی کرده است تا به نظر خود جرایمی را که برای صلح و امنیت جامعه بشری «خطرناک ترین» بوده است، برشمرد.^{۳۴} می‌توان گفت که جرایم پیش‌بینی شده در مواد ۱۵ تا ۲۶ متن این پیش‌نویس در واقع محدود به جرایمی است که در عنوان آن، یعنی «جرایم علیه صلح و امنیت بشری»، مدنظر بوده و اساس و فلسفه تدوین و وضع چنین قانونی را تشکیل می‌دهد. زیرا نویسندگانی که برای نخستین بار در سالهای ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۴ مأمور تدوین قانون

۳۴. شاید به همین جهت باشد که پاره‌ای نویسندگان ایرانی «International crimes» یا «Les crimes Internationaux» را «جنایات بین‌المللی» ترجمه کرده‌اند. حال آنکه می‌دانیم چه در زبان انگلیسی، چه در زبان فرانسه و چه حتی در زبان پارسی، «crime» و «جنایت» غالباً به معنا و به جای «جرم» نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، مگر در متون تخصصی جزایی و زبان متخصصان کیفری که می‌خواهند جنایت (crime)، جنحه (delit) و خلاف (contravention) را از هم تفکیک کنند. از سوی دیگر، در میان جرایمی که در طرح قانونی مورد بررسی آمده است، نمی‌توانیم همه آنها را - از نظر درجه خطرناکی - به‌طور یکسان جنایت، که در حقوق جزای داخلی شدیدترین نوع جرم است، تلقی کنیم. به هر حال چه خوب است نویسندگان پیش‌نویس قانون بین‌الملل جزا و کمیسیون حقوق بین‌الملل در بررسی‌های بعدی خود به این مهم نیز پردازند و تفکیک لازم را - همان‌طور که کمیسیون در ماده ۱۹ پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت دولت، جنایت بین‌المللی و جنحه بین‌المللی و مصادیق آنها را از هم تفکیک کرده است - با بکار بردن عنوانها و تعاریف تخصصی جرایم جنایی و جنحه‌ای انجام دهند.

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۰۹

جرائم بین‌المللی شدند، می‌بایست کوششها و مطالعات خود را محدود به چارچوب مأمویتی می‌کردند که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در این خصوص به آنها محول کرده بود. موضوع این مأموریت تهیه و تدوین پیش‌نویس «قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری» براساس ماده ۶ میثاق (اساسنامه) دادگاه نظامی بین‌المللی (نورنبرگ) الحاقی به موافقتنامه ۸ اوت ۱۹۴۵ لندن بود؛ یعنی نویسندگان مزبور می‌بایست محتوای ماده ۶ را که قلمرو و نوع جرائم بین‌المللی قابل تعقیب در دادگاه نورنبرگ را مشخص و تعریف می‌کرد، وارد بخش اختصاصی پیش‌نویس قانون در دست تهیه می‌نمودند: جرائم علیه صلح،^{۳۵} جرائم جنگی،^{۳۶} جرائم علیه بشریت^{۳۷} و توطئه^{۳۸} به منظور ارتکاب یکی از این سه نوع جرائم. در واقع، دنیای پس از جنگ دوم جهانی به شدت از اعمال فجیعی که در طول این جنگ به نام دفاع از یک ایدئولوژی خاص و برتری یک نژاد، یک

35. Crimes against Peace.

36. War crimes.

37. Crimes against Humanity.

38. Conspiracy.

زبان و یک فرهنگ خاص و با اعتقاد راسخ به تفوق بی‌چون و چرای آن ایدئولوژی نسبت به سایر ایدئولوژی‌ها، علیه «بشریت»، «صلح» و «امنیت» جهانی در کشورهای اشغال شده و مغلوب به وقوع پیوسته بود متأثر گردیده و بنابراین تمایل جامعه بشری به اینکه قبل از هر چیز به خود در مقابل تکرار چنین اعمالی در آینده مصونیت بخشد، تمایلی کاملاً طبیعی به نظر می‌رسید.

این استدلال تا اندازه‌ای علت محدود بودن موضوع مأموریت کمیسیون حقوق بین‌الملل و در نتیجه انحصار جرایم بین‌المللی به تنها «جرایم علیه صلح و امنیت بشری» را در سالهای اولیه پس از جنگ توجیه می‌کند. لیکن سؤالی که باقی می‌ماند این است که چرا تحولات مختلف دهه‌های اخیر در جامعه جهانی و ظهور ارزشهای جدید، در بازبینی‌ها و بررسیهای مجدد کمیسیون حقوق بین‌الملل و مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای وضع جرایم جدید و توسعه دامنه طرح قانون بین‌الملل جزا مورد توجه قرار نگرفته است؟ چرا بخش حقوق جزای اختصاصی طرح مزبور پس از

گذشت حدود نیم قرن کماکان محدود به همان جرایمی است که در اوایل کار و در دوره ۱۹۴۷ — ۱۹۵۴ در آن بخش تعیین و پیش‌بینی شده است؟

لااقل دو دلیل برای این موضوع ارائه شده است. نخستین دلیل در فلسفه وضع و رسالت قانون بین‌الملل جزا نهفته است: رسالت قانون مزبور، قبل از هر چیز، احصاء و تعریف مهم‌ترین یعنی «خطرناکترین» اعمال مجرمانه برای جامعه بشری است، و این اعمال همانهایی هستند که در طرح کنونی منعکس و مندرج است. دومین دلیل که قابل تأمل‌تر است و از جنبه عملی امر «قانونگذاری بین‌المللی کیفری» ناشی می‌شود، اجتناب از به درازا کشیده شدن زمان تدوین قانون، به لحاظ مذاکرات و بحث‌های جدید در کمیسیون حقوق بین‌الملل، در میان دولتهای مختلف جهان و در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیرامون وضع جرایم جدید است. به دیگر سخن، هدف به توافق رسیدن هر چه سریع‌تر کشورها پیرامون طرح مزبور به منظور نهایی کردن متن قانون بین‌الملل جزاست، و بدیهی است که هر چه برسپاه جرایم

افزوده شود، به همان میزان اختلاف نظر میان کشورها در خصوص طرح قانون مزبور نیز بیشتر و پیچیده‌تر می‌گردد و بدین‌ترتیب شاید برای عبور از مرحله طرح قانون و رسیدن به مرحله تصویب نهایی و اجرای «قانون بین‌الملل جزا» نیم قرن دیگر باید به انتظار نشست! به عبارت دیگر، هر اندازه دولتها از نظر درجه توسعه سیاسی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی از یکدیگر دور باشند، نزدیک شدن دیدگاههای آنها سخت‌تر و راه رسیدن به توافق در این مورد ناهموارتر خواهد بود.

در هر حال، در معاهدات بین‌المللی موجود، بیست و چهار جرم بین‌المللی احصاء شده‌اند که از نظر تعداد دو برابر جرایم پیش‌بینی شده در طرح قانون بین‌الملل جزا هستند. این جرایم عبارتند از:

تجاوز،^{۳۹} جرایم جنگی،^{۴۰} کاربرد غیرقانونی تسلیحات^{۴۱} (به‌عنوان یک جرم

39. Agression.

40. War crimes.

41. Unlawful uses of weapons.

جنگی)، کشتار دسته جمعی،^{۴۲} جرایم علیه بشريت،^{۴۳} تبعیض نژادی و آپارتاید،^{۴۴} برده داری و جرایم وابسته،^{۴۵} شکنجه^{۴۶} (به عنوان یک جرم جنگی)، آزمایشهای غیرقانونی بر روی انسان^{۴۷} (به عنوان یک جرم جنگی)، راهزنی دریایی،^{۴۸} هواپیما ربایی،^{۴۹} جرایم علیه امنیت حمل و نقل دریایی بین المللی،^{۵۰} تهدید و کاربرد زور علیه اشخاصی که از نظر بین المللی مورد حمایت اند،^{۵۱} گروهانگیری افراد غیرنظامی،^{۵۲} جرایم مربوط به مواد مخدر،^{۵۳} خرید و فروش بین المللی نشریات مستهجن،^{۵۴} تخریب و یا غارت ذخایر ملی^{۵۵} (در زمان جنگ و بعضاً

-
42. Genocide.
 43. Crimes against Humanity.
 44. Racial discrimination and apartheid.
 45. Slavery and related crimes.
 46. Torture.
 47. Unlawful human experimentation.
 48. Piracy.
 49. Aircraft hijacking.
 50. Crimes against the safety of international maritime navigation.
 51. Threat and use of force against internationally protected persons.
 52. Taking of civilian hostages.
 53. Drug offenses.
 54. International traffic in obscene publications.
 55. Destruction and/or the theft of national treasures.

در شرایط صلح)، حفاظت از محیط زیست^{۵۶} (بعضی جوانب مربوط به آن)، سرقت مواد هسته‌ای،^{۵۷} استفاده غیرقانونی از پست،^{۵۸} دستکاری و دخالت در کابلهای زیردریایی،^{۵۹} مزدورگیری،^{۶۰} تقلب^{۶۱} و جعل^{۶۲} (اسناد و مدارک).

همان‌طور که در فهرست بالا ملاحظه می‌شود، پاره‌ای از این بیست و چهار نوع جرم در متن طرح قانون «جرائم علیه صلح و امنیت بشری» نیز به عنوان جرم بین‌المللی پیش‌بینی شده‌اند مانند تجاوز، جرائم جنگی، کشتار دسته جمعی، آپارتاید و ... در عوض، بعضی از اعمالی که در متن طرح مورد بحث به‌عنوان جرم احصاء و تعریف شده، در معاهدات بین‌المللی موجود به‌عنوان جرم بین‌المللی پیش‌بینی نشده‌اند مانند مداخله (ماده ۱۷)، سلطه استعمارگرانه (ماده ۱۸) و ...

بدین‌ترتیب، در طرح قانون بین‌الملل

56. Environmental protection.

57. Theft of nuclear materials.

58. Unlawful use of mails.

59. Interference with submarine cables.

60. Mercenarism.

61. Falsifying.

62. Counterfeiting.

جزا از جرایم جدیدی نام برده شده است که، برطبق عرف یا کنوانسیونهای بین‌المللی موجود، جرم بین‌المللی محسوب نمی‌شوند و بدین‌سان طرح مزبور، در صورت تصویب نهایی، مکمل عرف و کنوانسیونهای بین‌المللی راجع به جرایم بین‌المللی خواهد بود. نویسندگان طرح قانون بین‌الملل جزا و به‌ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در بازبینی‌های جدید خود می‌توانند، با توسعه دامنه موضوع پیش‌نویس قانون بین‌الملل جزا، قلمرو آن را نسبت به اعمال مجرمانه بین‌المللی پیش‌بینی شده در کنوانسیونهای بین‌المللی تسری دهند و آنها را نیز در بخش اختصاصی طرح مزبور وارد سازند و امید داشته باشند که با مخالفت خاص کشورها مواجه نخواهند شد، زیرا اغلب کشورها با پذیرفتن آن معاهدات، این قبیل اعمال را نیز از پیش به‌عنوان «جرم بین‌المللی» پذیرفته‌اند. علاوه براین، امروزه بیشتر قانونگذاران داخلی کشورها، به‌هنگام تجدیدنظر در قوانین کیفری داخلی خود، به این سو گرایش پیدا کرده‌اند که جرایمی را که تاکنون منحصرأ در

کنوانسیونهای بین‌المللی یا در همین طرح قانون بین‌الملل جزا تعیین و تعریف شده‌اند، به فهرست عناوین مجرمانه شناخته شده در نظام کیفری خود بیفزایند، زیرا که امروزه شخص انسان، در مقام عضوی از خانواده بشریت و نه به‌عنوان شهروند یک کشور خاص، مورد توجه قانونگذاران مختلف قرار می‌گیرد و بنابراین لطمه به حقوق و آزادیهای اساسی وی تحت این عنوان نیز جرم تلقی می‌شود. اصلاحاتی که اخیراً در بخش مربوط به جرایم علیه اشخاص در قوانین جزایی کشورهای متحول و پویای جهان آغاز شده جلوه‌ای از همین طرز تفکر است.

به عنوان مثال، قانونگذار کانادایی با تصویب قانون شماره ۷-C در ۱۹۸۷ که هم اکنون بخشی از قانون جزای کانادا^{۶۳} را تشکیل می‌دهد - بزه‌های جدیدی در ماده ۷(۳۷۶) این قانون تحت عنوان «جرم جنگی» و «جرم علیه بشریت» با تعاریفی نزدیک به تعاریف مندرج در طرح قانون بین‌الملل جزای کمیسیون حقوق بین‌الملل پیش‌بینی

63. Canadian Criminal Code (C. C. C.).

کرده است.^{۶۴} همچنین، قانونگذار فرانسوی در قانون جزای جدید فرانسه (مصوب ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۲ و لازم‌الاجرا از اول مارس ۱۹۹۴)، طی مواد ۱-۲۱۱ و بعد آن، در بخش مربوط به جنایات و جنحه‌های علیه اشخاص، جرایم علیه بشریت را با عنایت به تعاریف آنها در کنوانسیونهای بین‌المللی و طرح قانون بین‌الملل جزا احصاء و پیش‌بینی کرده است.^{۶۵}

با ظهور چنین گرایش‌هایی در قانونگذاریهای کیفری داخلی، می‌توان از یکسو سخن از جهانی شدن تدریجی اصول ناشی از اساسنامه، جریان و آیین رسیدگی دادگاه نورنبرگ و نحوه برگزاری محاکمات^{۶۶} آن به میان آورد، و ازسوی

۶۴. برای اطلاعات رک.:

Joffe, Alain: "les Crimes contre l'humanite dans le Code Criminel Canadien". In Rev, inter. De Criminologie et de police, No. 4, 1993, PP. 438-455.

۶۵. برای اطلاعات بیشتر رک.:

Tulkens, (Francoise): "Le mouvement de reforme des codes et le nouveau Codes Penal Francais", in Archives de Politique Criminelle, No. 17, 1995, PP. 27 et s.

۶۶. برای اطلاع بیشتر در این مورد رک. رخشانی، نگار: تأثیر محاکمات نورنبرگ در تحولات حقوق بین‌الملل کیفری، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، واحد مرکز، ۱۳۷۲؛ فیوضی، دکتر رضا: «دادگاه نظامی نورنبرگ پس از چهل سال»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۹، ۱۳۶۷، صص ۱۳۳ و بعد.

❖ ۳۱۸ / مجله حقوقی / شماره هجدهم و نوزدهم

دیگر امیدوار بود که آن دسته از دولتهایی که تاکنون نسبت به اهمیت، جاهت و لزوم تصویب یک قانون بین‌الملل جزا موضع بدبینانه‌ای اتخاذ کرده بودند، از این پس تغییر نگرش دهند و با برخوردی سازنده نسبت به موضوع، در جهت پذیرش و تصویب ابزار کیفری سیاست جنایی بین‌المللی کوشش نمایند و باگرد آمدن به حول محور و اصل ضرورت وجود یک قانون بین‌الملل جزا، برای حفظ و پاسداری از نظم حقوقی بین‌المللی که مورد پذیرش بیشتر کشورها و دولتهاست اختلاف نظرهای فنی، فرهنگی، فکری و سیاسی میان خود را به هنگام بحث و مذاکره پیرامون محتوای این قانون کنار گذارند و یا آن را به حداقل برسانند.

گفتار دوم

ماهیت پیش‌نویس قانون جرایم

علیه صلح و امنیت بشری

عنوان پیش‌نویس «قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری» خود‌گویای آن است که اولاً دامنه، ماهیت و تعداد جرایمی که در

این قانون آمده است - همان گونه که قبلاً اشاره شد - از یک سو به جرایم علیه صلح و از سوی دیگر به جرایم علیه بشریت محدود می‌شود، و ثانیاً در این قانون صرفاً دوازده جرم بین‌المللی، تعاریف و اصول عمومی حاکم بر آنها مطرح شده و بنابراین مجازات یا مجازاتهای هر جرم، آن‌طور که در قوانین جزایی داخلی معمول است. در مواد مربوط پیش‌بینی نشده است. نویسندگان متن، در ماده ۳ تحت عنوان «مسئولیت و مجازات» با قید «...» و «مستوجب مجازات است»، در واقع اصل مجازات و تنبیه مباشران این قبیل جرایم را پذیرفته‌اند، لیکن وقتی در بخش دوم پیش‌نویس به تعریف جرایم می‌پردازند، نوع و میزان مجازات یا مجازاتهای هر یک از جرایم را تعیین نمی‌کنند و موضوع را به صورت نقطه چین و داخل پرانتز، به بعد وامی‌گذارند. بدین ترتیب، طرح بحث جرایم و تعیین انواع آنها بدون طرح همزمان بحث ضمانت اجرای (مجازات) هر یک از آنها از نظر نوع، تعداد و میزان از ویژگیهای متن پیش‌نویس است که شاید دلیل عمده آن و مسکوت گذاشتن نوع و میزان

مجازات هر یک از جرایم بین‌المللی در متن مزبور، دامن نزدن بیشتر به اختلاف نظرهای موجود و ایجاد مخالفت‌های جدید از ناحیه دولتها پیرامون امر قانونگذاری بین‌المللی کیفی بوده باشد. ماده ۱، زیر عنوان «تعریف»، از جرم یا جرایم بین‌المللی نام نمی‌برد بلکه از اصطلاح «جرایم حقوق بین‌الملل» استفاده می‌کند. ابهام این ماده بیشتر ناشی از این است که چرا حقوق بین‌الملل داخل قلاب گذاشته شده است. آیا این خود، از آغاز کار، دلیلی بر وجود تردید و عدم اطمینان نزد نویسندگان متن مزبور و کمیسیون حقوق بین‌الملل پیرامون مفهوم جرم بین‌المللی نیست؟^{۶۷} زیرا از نظر حقوق بین‌الملل و کنوانسیونهای موجود تاکنون بیست و چهار نوع جرم بین‌المللی وضع شده است که تنها پاره‌ای از آنها در طرح قانون مورد توجه کمیسیون قرار گرفته و بعضی از جرایم دیگر برای نخستین بار در آن پیش‌بینی می‌شوند. بنابراین، بهتر می‌بود که نویسندگان متن

67. Ottenhof, R.: "An overview of the draft code", in *Nouvelles Etudes penales*, Ed. Eres, No. 11, 1993, P. 30.

تعریف صریح تری از جرم در ماده ۱ به دست می‌دادند. از سوی دیگر، با آنکه نویسندگان مزبور در تعریف از جرم به «فعل و ترک فعل» در مواد ۲ و ۵ اشاره می‌کنند، لیکن در سایر مواد فقط به «اعمال» اشاره دارند. شاید از نظر آنها اعمال اعم است از عمل مثبت یا عمل منفی.

اصل قانونی بودن جرایم، به جای اینکه در همان یکی دو ماده نخست بیان شود، در بند ۱ ماده ۱۰ تحت عنوان «عطف بماسبق نشدن»، که خود از اصل قانونی بودن نتیجه گرفته می‌شود، آورده شده است. با عنایت به اهمیت حیاتی اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها در دفاع و حمایت از حقوق و آزادیهای افراد، اختصاص یک اصل مستقل و صریح به این موضوع در همان چند ماده نخست متن پیش‌نویس ضروری است.

در ماده ۸ پیش‌نویس تحت عنوان «تضمینهای قضایی»، تدابیر و تضمینهای لازم برای یک رسیدگی عادلانه پیش‌بینی شده است. قسمت اخیر صدر این ماده، اصل برائت را که یکی از تضمینهای مهم

قانونی برای افراد و به‌ویژه متهمان در مقابل عدالت کیفری است به رسمیت می‌شناسد. در بند (ه) همین ماده حق دفاع برای متهم و استفاده از وکیل صراحتاً پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۴ صراحتاً به کیفیات مخفیه اشاره می‌کند و چنین مقرر می‌دارد که دادگاه به هنگام تعیین مجازات، عنداللزوم، کیفیات مخفیه را مورد ملاحظه قرار خواهد داد. بدین ترتیب، اصول عمومی حقوق جزای موضوعه در مواد مختلف متن پیش‌نویس مدنظر نویسندگان آن قرار داشته است.

ماده ۶ صلاحیت جهانی را برای تعقیب، تحقیق و محاکمه فرد متهم به ارتکاب یکی از جرایم این قانون پذیرفته و آن را برای دولتی که چنین متهمی در سرزمین او دستگیر می‌شود یک تکلیف دانسته است، مگر اینکه تقاضای استرداد متهم مطرح شود. بدیهی است صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری که کمیسیون حقوق بین‌الملل درصدد ایجاد آن است برای رسیدگی به چنین جرایمی یک اصل است. به همین جهت، در صورت تقاضای استرداد مجرم در شرایطی،

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۲۳

دولت مزبور باید وی را مسترد کند. اهمیت جرایم مندرج در متن پیش‌نویس، از آن جهت که مصالح و منافع کل بشریت و جامعه بشری را در معرض مخاطره قرار می‌دهد، ایجاب می‌کند که هر زمان عامل این جرایم به دام افتاد، قابل تعقیب باشد. از این روست که ماده ۷ صراحتاً این قبیل بزه‌ها را مشمول مرور زمان نمی‌داند، و بدین ترتیب مرتکبان آنها همواره قابل دستگیری، تعقیب، محاکمه و مجازات هستند. براساس همین تفکر است که پس از گذشت حدود نیم قرن از پایان جنگ دوم جهانی، هنوز متهمان به ارتکاب جرایم علیه بشریت در طول این جنگ - به‌ویژه افسران نازی^{۶۸} - بعد از شناسایی توسط کشورهای ذینفع مثل فرانسه یا اسرائیل مسترد، تعقیب، محاکمه و مجازات

۶۸. به عنوان مثال، دولت فرانسه، کلاوس باربی (Claus Barbie) افسر آلمانی را که به هنگام اشغال فرانسه در دوران جنگ دوم جهانی به وسیله ارتش آلمان نازی، عامل سرکوب یهودیان و مبارزان فرانسوی در شهر لیون (واقع در مرکز فرانسه) بود، پس از گذشت حدود نیم قرن، در یکی از کشورهای آمریکای جنوبی شناسایی و پس از استرداد وی، او را محاکمه و در ارتباط با جرایم علیه بشریت در اوایل سالهای ۱۹۹۰ در این کشور محکوم به حبس ابد نمود. باربی به علت ابتلا به بیماری سرطان در زندان درگذشت.

می‌شوند.

کاربرد قیدهایی چون «متضمن شدت و خطر چندانی نیست» (بند ۳ ماده ۱۵)، «شدت آنها در حد اقدامات مذکور در بندهای اخیر» (قسمت ز بند ۴ ماده ۱۵) و یا «فوق‌العاده مهم و خطرناک» (در عنوان و در متن ماده ۲۲) در تعریف جرایم و وصفهای مجرمانه ابهام ایجاد می‌کند و عامل ذهنیت را به هنگام ارزیابی و رسیدگی به جرایم، جایگزین عامل عینیت، یعنی رعایت اصل قانونی بودن جرایم در حقوق جزا، می‌نماید.

مواد ۸ و ۹ ع‌مدتاً پیرامون مسائل شکلی هستند و همان طور که در بالا آمد - موضوعشان ت‌ضمین تحقیقات و محاکمات قانونی و عادلانه برای متهمان به ارتکاب جرایم بین‌المللی است.

جرایم پیش‌بینی شده متن طرح را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد: گروه نخست شامل چهار جرم است که می‌توان آنها را «اعمال خصمانه علیه سایر دولتها» تلقی کرد: «تجاوز» ماده ۱۵، «تهدید به تجاوز» (ماده ۱۶)، «مداخله» (ماده ۱۷) و «سلطه استعمارگرانه و سایر اشکال استیلای

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۲۵

خارجی (ماده ۱۸). گروه دوم که آن نیز شامل چهار جرم می‌باشد، عمدتاً جرایمی هستند که علیه «اصول و بنیادهای حقوق بشر» ارتکاب می‌یابند: کشتار جمعی (ماده ۱۹)، آپارتاید (ماده ۲۰)، نقض با برنامه یا وسیع حقوق بشر (ماده ۲۱) و جرایم جنگی فوق‌العاده مهم (ماده ۲۲). و بالاخره گروه سوم شامل جرایم «متفرقه» می‌گردد که نمی‌توان آنها را تحت یک عنوان خاص گردهم آورد زیرا ترتیب آنها منطقی و مشخص نیست: استخدام، بکارگیری، تأمین مالی و آموزش مزدوران (ماده ۲۳)، تروریسم بین‌المللی (ماده ۲۴)، قاچاق مواد مخدر (ماده ۲۵) و صدمات عمدی و شدید به محیط زیست (ماده ۲۶).

تروریسم یک دولت علیه دولت دیگر در واقع نوعی «مداخله» محسوب می‌گردد که ممکن است به درگیری مسلحانه بین دو دولت یا جنگ داخلی منجر شود؛ بنابراین شاید مناسبتر می‌بود که این عنوان پس از جرم «مداخله» آورده می‌شد یا در متن ماده مربوط به این جرم جای می‌گرفت. مزدورگیری را نیز شاید بتوان جزء جرایم گروه نخست گنجانند، زیرا به نوعی

می‌تواند در حکم تهدید به تجاوز یا مداخله و یا تجاوز باشد. آیا ایراد لطمه به محیط زیست، نوعی نقض حقوق بشر نیست؟ آیا نمی‌توان آن را در کنار جرایم گروه دوم آورد؟ و اما در مورد قاچاق مواد مخدر باید گفت که مبارزه با آن، یعنی در واقع مبارزه علیه قاچاقچیان، امروزه مستلزم تأمین و استفاده از امکانات مادی و انسانی وسیعی است، زیرا شبکه‌های سازمان یافته قاچاق مواد مخدر، با توجه به سود کلان ناشی از فعالیت‌های نامشروع خود، از دستیازی به هرگونه امکانات جنگی و مقاومت مسلحانه در مقابل نیروهای انتظامی و رسمی رویگردان نیستند و از این روست که ریشه‌کن کردن این قبیل شبکه‌ها دولتهایی مانند کلمبیا (و یا در پاره‌ای موارد ایران) را به جنگ تمام عیار با آنها ناگزیر می‌سازد. بنابراین، قاچاق بین‌المللی مواد مخدر، در واقع دولتها را در مقابل تشکیلات سازمان یافته تبهارانه‌ای قرار می‌دهد که برای ادامه فعالیت‌های خود تا مرحله نفی و براندازی ساختار رسمی و دولتی نیز پیش می‌روند. حال، با توجه به این

وضع، آیا نمی‌توان سخن از «نظامی شدن» مبارزه علیه «تجارت ملی و بین‌المللی نامشروع و غیرقانونی» مواد مخدر به میان آورد؟

در مورد مباشران جرایم علیه صلح و امنیت بشری، می‌توان گفت که معیار و سیاق به‌کار برده شده در متن پیش‌نویس برای تعریف جرایم غالباً مسؤولیت کیفری را به چند گروه مباشر محدود می‌کند:^{۶۹} جرایم موضوع مواد ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۵ و ۲۶ تنها توسط افراد عادی ممکن است ارتکاب یابند؛ جرایم تعریف شده در مواد ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰ باید توسط یک «رهبر یا سازمان‌دهنده» به وقوع بپیوندند؛ و بالاخره جرایم پیش‌بینی شده در مواد ۲۳ و ۲۴ را فقط «عامل یا نماینده» یک دولت می‌تواند مرتکب شود.

از آنجا که متن پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری عمدتاً به وسیله متخصصان حقوق جزا تدوین شده است، بنابراین جای تعجب نیست که این متن در تعریف خود از جرایم، از یافته‌ها و

69. Cf. Wise, Ed.: "The structure of the draft code", in *Nouvelles Etudes Penales*, No. 11, 1993, P. 40.

آورده‌های علوم رفتاری به‌ویژه روان‌شناسی و علوم جنایی - و بالاخص جرم‌شناسی و مجنی‌علیه‌شناسی - بهره‌کافی نبرده باشد.^{۷۰} تعریف جرم به‌طور انتزاعی و صرفاً با ارجاع به نوع «اعمال» مجرمانه - یعنی روش و کار نویسندگان قوانین جزایی سده نوزدهم تحت تأثیر مکاتب کلاسیک^{۷۱} - دیگر مطلوب نیست. باید خصوصیات رفتاری و شخصیتی مباشر جرم را نیز در تعریف آن مورد توجه قرار داد. شناخت ما در مورد بزهکاری بین‌المللی یا فراملی و یا در مورد شخصیت بزهکاران بین‌المللی بسیار محدود است. در این خصوص، راجع به مرتکبان جرایم کشتار دسته‌جمعی یا تروریسم یا آپارتاید و ... چه می‌دانیم؟ در بسیاری از جرایم، روابط ویژه میان مباشر جرم و قربانی وی (مجنی علیه) قبل از ارتکاب جرم و در لحظه و نیز در مدت ارتکاب جرم بسیار مهم است و بنابراین ضروری است که از آورده‌ها و یافته‌های مجنی‌علیه‌شناسی برای حمایت

70. Cf. Ottenhof, R.: "An overview of the draft code", op, cit., P. 29.

۷۱. در این مورد رک. پرادل، ژان: تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین علی نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۲.

بیشتر از حقوق بزه دیدگان و درک بهتر مکانیسم «گذار از اندیشه مجرمانه به عمل مجرمانه» در بازبینی‌های بعدی متن طرح، به‌ویژه در تعریف جرایم مختلف، استفاده شود تا متن نهایی قانون بین‌الملل جزا از نظر روش تهیه و ماهیت مواد آن با توجه به آخرین دستاوردها و شناخت‌های علمی پیرامون بزهکاری، بزه‌کاران، بزه دیدگان و عدالت کیفری تدارک شده باشد. و تنها بدین ترتیب است که این قانون بین‌الملل جزا، به عنوان ابزار اصلی سیاست جنایی بین‌المللی، قادر خواهد بود در مقابل بزه‌کاران بین‌المللی فردا از کارایی مطلوب و روز آمد برخوردار باشد.

نتیجه

با آنکه متن قانون بین‌الملل جزا هنوز پای خود را از حد یک پیش‌نویس و طرح فراتر نگذاشته است، مع‌هذا باید در همین حد نیز از آن به عنوان یک «دستاورد تاریخی بین‌المللی» نام برد، زیرا علی‌رغم پیشرفت سریع کشورها و تحول

تمدن بشری در همه زمینه‌ها و نزدیک شدن دولتها و ملتها به یکدیگر در سایه رشد سریع وسایل ارتباط جمعی و وسایل حمل و نقل بین‌المللی، در گیریهای مسلحانه محلی و منطقه‌ای - همراه با جنایات هولناکی که علیه مردم غیرنظامی و بیگناه و محیط زیست ارتکاب می‌یابد - کماکان ادامه دارد و صلح و امنیت و آرامش را برای بشریت به صورت یک رؤیا در آورده است.

در چنین شرایط بین‌المللی، نهایی کردن پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری، تصویب و بالآخره اجرای مؤثر قانون بین‌الملل جزا بیش از همیشه ضروری و فوری می‌نماید. کشورهای عضو سازمان ملل متحد باید از سیاسی کردن امر «قانونگذاری بین‌المللی کیفری» - چه در مقام تدوین قواعد و مقررات ماهوی کیفری (قانون بین‌الملل جزا) و چه در مقام تنظیم قواعد و مقررات شکلی کیفری (دادگاه بین‌المللی کیفری و آیین دادرسی کیفری حاکم بر آن) - به‌ویژه پس از فروپاشی نظام جهانی دو قطبی، پرهیز کند و در داخل کمیسیون حقوق بین‌الملل و نیز

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۳۱

در مجمع عمومی به گرایش فنی — حقوقی اجازه رشد و شکوفایی دهند. همان‌طور که یک دولت یا حکومت مبتنی بر قانون و حقوق، نزد افکار عمومی داخلی خود از مشروعیت و جاهت بیشتری بهره‌مند است، یک جامعه جهانی قانونمند و قانونگرا نیز بی‌تردید در نزد افکار عمومی جهانی مشروعیت بیشتری خواهد داشت و زمینه رشد، خلاقیت و تحقق آرمانهای بشری را هموارتر خواهد ساخت. کمیسیون حقوق بین‌الملل باید، علاوه بر تخصص و تجربه اعضای خود، از دانش حقوقی و تجربه سیاسی حقوق‌دانان، انجمنهای علمی، دولتمردان و دیپلمات‌های مصلح غیرعضو نیز به‌منظور غنی‌تر کردن و شتاب بخشیدن به کار خویش در زمینه قانون‌نویسی و تدوین مقررات کیفی بهره‌برد و بدین ترتیب همواره «خون تازه» به شریانهای خود تزریق کند.^{۷۲} آقای رنالد اتنف در

۷۲. گفتنی است که از ۲۵ تا ۲۹ مارس ۱۹۹۲، طی گردهمایی که در کورمایور (Courmayeur) - ایتالیا - زیر نظر انجمن بین‌المللی حقوق کیفری به‌منظور استفاده از دیدگاههای فنی - حقوقی دانشمندان حقوق بین‌الملل جزا برگزار شد، چند تن از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل به اتفاق برخی از نمایندگان انجمن مزبور - از جمله آقای رنالد اتنف - سعی کردند تا پیش‌نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت

این‌خصوص بحق می‌گوید که: «نهایتاً برای گذار از رؤیا و رسیدن به واقعیت، دنیای دانش و سیاست هر دو به خلق اثر و انجام مبارزه واحدی فراخوانده شده‌اند».

بشری را از جهات مختلف مورد بررسی قرار دهند. آقای اتنف گزارش همین گردهمایی را در ۱۳۷۲/۲/۷ به صورت کنفرانسی، در دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ارائه داد.

درآمدی بر پیش‌نویس ... ❖ ۳۳۳